

تحلیل سیستمی اثرات مثبت و منفی توسعه گردشگری ایران با رویکرد آینده‌پژوهی

امین فرجی^۱، استادیار گروه مدیریت دولتی و امور عمومی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران
محمد نعمت‌پور، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی، گروه مدیریت کسب‌وکار، دانشکده مدیریت و حسابداری،
پردیس فارابی، دانشگاه تهران
امید عشریه، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی، گروه مدیریت کسب‌وکار، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس
فارابی، دانشگاه تهران

پذیرش نهایی: ۹۶/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۰۷

چکیده

گسترش صنعت گردشگری علاوه بر ابعاد مثبت می‌تواند ابعاد منفی بسیاری نیز در زمینه‌های - اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی در پی داشته باشد. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل ساختاری، به مرور و تجزیه و تحلیل پژوهش‌های پیشین و نظرات کارشناسان پرداخته است. هدف اصلی این مقاله شناسایی و اولویت‌بندی اثرات مثبت و منفی گردشگری در مقیاس ملی و در جریان روند توسعه گردشگری ایران است. این اثرات شامل اثرات اقتصادی (افزایش درآمد، ایجاد اشتغال، افزایش هزینه‌های زندگی، ایجاد تورم و غیره)، اثرات اجتماعی - فرهنگی (افزایش مشارکت و سرمایه اجتماعی، احیای ارزش‌های محلی، افزایش شکاف اجتماعی، مصرف‌گرایی و غیره) و اثرات زیست‌محیطی (بهبود کیفیت محیط، ترویج معماری سبز، کاهش سطح سرانه‌های طبیعی، کاهش ظرفیت تحمل فیزیکی و غیره) است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل سیستمی در محیط نرم‌افزار Micmac استفاده شده است. پژوهش حاضر ضمن ارائه و تنظیم مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر در ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی - فرهنگی، حاکی از آن است که برای رسیدن به یک سیستم پایدار در گردشگری توجه به اثرات منفی تأثیرگذار به ویژه در حوزه زیست‌محیطی در درجه اول اهمیت قرار دارد و در مرحله دوم می‌باید بر کاهش اثرات دو وجهی و ریسک به جهت غیرقابل پیش‌بینی بودن، تمرکز شود.

کلیدواژه‌ها: گردشگری، اثرات اجتماعی - فرهنگی، اثرات اقتصادی، اثرات زیست‌محیطی.

مقدمه

گردشگری به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پررونق‌ترین صنایع جهان مورد توجه روزافزون دولت‌ها قرار گرفته است. در بسیاری از کشورها سیاست‌های گردشگری به عنوان طراحی و تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های کلان کشور و ابزاری مؤثر برای پیگیری روند توسعه، مورد توجه قرار می‌گیرد (ربیعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱). اما گردشگری در کنار اثرات و ابعاد مثبت به خصوص در حوزه اقتصادی، در مواردی نیز می‌تواند به دلیل عدم توجه به اثرات احتمالی و نیز مدیریت بهینه، حامل اثرات منفی در حوزه‌های اجتماعی- فرهنگی، زیست‌محیطی و حتی اقتصادی باشد. از این رو در پژوهش‌های مربوط به گردشگری، تمرکز بر اثرات به وجود آمده از اهمیت بالایی برخوردار است. به طور کلی، اثرات مربوط به گردشگری در سه حوزه اثرات اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست- محیطی قابل بررسی است، به همین جهت هرگاه فعالیت‌های گردشگری ارتباط نزدیکی با جوامع- محلی داشته باشند، گردشگری می‌تواند موجب تغییر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و محیطی جامعه میزبان گردد. علاوه بر این، بسیاری از پژوهشگران، گردشگری را به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی، به ویژه در جوامع محلی در نظر می‌گیرند و اذعان می‌کنند که گردشگری یکی از مطرح‌ترین استراتژی‌ها برای توسعه است و از این نظر توسعه گردشگری می‌تواند توسعه ملی و محلی را افزایش دهد (عارف و همکاران^۱، ۲۰۱۰: ۱۵۵). بر این اساس بسیاری از جوامع دریافته‌اند که باید نگرشی فعال‌تر به گردشگری داشته باشند و به توسعه واقعی و ترویج اثرات- اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه گردشگری توجه نمایند (صالحی و حسن پور، ۱۳۹۱: ۱۳). با توجه به پیچیدگی و گستردگی فعالیت‌های گردشگری، اثرات ناشی از آن نیز ابعاد به هم پیوسته بسیاری دارد که باید در مطالعه اثرات گردشگری به آنها توجه شود (مسون^۲، ۲۰۰۳: ۴۲). مسأله این است که بسیاری از مقاصد گردشگری تمایل به چشم‌پوشی از اثرات منفی گردشگری دارند و به جای آن بیشتر بر منافع اقتصادی، تمرکز دارند (حاجیلو و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶). اما

1. Aref & et al
2. Mason

فقدان پایداری در روند تحولات گردشگری در بلندمدت می‌تواند مبنایی در جهت ایجاد هزینه و نیز بروز چالش‌های متعدد باشد.

توسعه پایدار گردشگری تلاش در جهت ایجاد توازن بین اثرات اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی گردشگری است. بنابراین، درک اثرات بالقوه و بالفعل توسعه گردشگری در یک مقصد خاص، فرض اساسی و منطقی برنامه‌ریزی توسعه پایدار گردشگری در آن مقصد است. در بیشتر موارد پرداختن به آینده با اتکا به پیش‌بینی و تحلیل روندها، مشکلات بی‌شماری در اجرای برنامه‌ها به وجود آورده است. لذا نگاه سیستمی به موضوعات و تحلیل کارشناسی روندهای آتی می‌تواند مبنایی مناسب در راستای کاهش و یا حذف اثرات منفی و ارتقاء آثار مثبت در حوزه گردشگری باشد. این موضوع در کشور ایران به جهت گستردگی ظرفیت‌های گردشگری در انواع و ابعاد مختلف، دارای اهمیت بالایی است. به واقع از یک سو فقدان درآمدهای پایدار ملی و تکیه دولت بر درآمدهای نفتی و نیز ضعف بنیه اقتصادی ایجاد می‌کند تا با توسعه گردشگری زمینه تحولات اقتصادی به ویژه در مناطق مرزی (که دارای مشکلات متعدد اقتصادی و معیشتی هستند) را فراهم آورد و از سوی دیگر تأمل در اثرات منفی گردشگری بر محیط زیست، محیط اجتماعی و حتی محیط اقتصادی، نیاز به مدیریت خردمندانه و هدایت منطقی آن دارد. به هر روی گردشگری و توسعه آن صرفاً در ابعاد اقتصادی خلاصه نشده و ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی از هر دو منظر مثبت و منفی، می‌بایست مورد مذاقه قرار گیرد. حال بر این اساس مسائل مطرح در این حوزه به قرار زیر قابل طرح است:

- مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر جهت تحلیل سیستمی اثرات گردشگری، کدامند؟
- تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر یک از شاخص‌های مورد بررسی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی در مقیاس ملی چگونه است؟

بر اساس آنچه ذکر شد هدف از انجام پژوهش حاضر، تحلیل سیستمی اثرات مثبت و منفی اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی گردشگری در ایران است. در این رابطه رویکرد

پژوهش حاضر تحلیل میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل مؤثر در حوزه گردشگری با در نظر گرفتن معیارها و زیرمعیارها است. در این خصوص از تکنیک تحلیل ساختاری در سطح ملی بهره گرفته شده است.

چارچوب نظری پژوهش

تعاریف و مفاهیم

گردشگری: گردشگری یک پدیده اجتماعی است که هرگونه جابه‌جایی افراد از یک مکان به مکان دیگر و اقامت در مکانی غیر از مکان معمول زندگی خود، بیان‌کننده مفهوم آن است. این جابه‌جایی به صورت تعامل با اقوام و ملل گوناگون و آشنایی با عقاید، نگرش‌ها، انتظارات و شیوه زندگی آنها اتفاق می‌افتد و در نهایت منجر به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میهمان و میزبان از یکدیگر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت اساس و بنیان گردشگری روابط بین میهمان و میزبان است (شارپلی^۱، ۲۰۱۴: ۳۸).

اثرات گردشگری: گردشگری به عنوان نوع مهمی از فعالیت‌های انسانی می‌تواند اثرات مهمی بر جامعه محلی داشته باشد. این اثرات در جوامع مقصد، جایی که گردشگران با محیط اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیستی این جوامع در ارتباط هستند، بسیار نمایان و قابل مشاهده است. از این رو، دسته‌بندی اثرات گردشگری به سه گروه اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی به طور معمول مسأله‌ای پذیرفته شده است (مسون، ۲۰۰۳: ۲۹).

اثرات اقتصادی گردشگری: به طور کلی، مهم‌ترین دلیل نگرش مثبت جامعه محلی به گردشگری، بُعد اقتصادی آن است. به هر حال این بُعد اقتصادی می‌تواند شامل حالت‌های مثبت و منفی باشد که ارزیابی این مسأله به سطح توسعه کشورها بستگی دارد. اثراتی مثل افزایش درآمد، ایجاد اشتغال، بهبود زیرساخت‌ها، فصلی بودن و غیره، در برگیرنده اثرات مثبت و منفی اقتصادی هستند (گارسیا و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۴).

1. Sharpley & et al
2. García & et al

اثرات اجتماعی - فرهنگی: اثراتی که از آن به عنوان اثرات اجتماعی - فرهنگی گردشگری یاد می - شود خود را در قالب تأثیر بر آداب و رسوم، عادات، زندگی اجتماعی، عقاید و باورها و ارزش های ساکنان بومی مقاصد گردشگری نشان می دهد. تعاملاتی که بین مردم محلی و گردشگران صورت می گیرد ممکن است منجر به ایجاد فرصت هایی برای طرفین شود، در مقابل می تواند منجر به احساس ناراحتی، فشار، ازدحام و شود (همان: ۳۵).

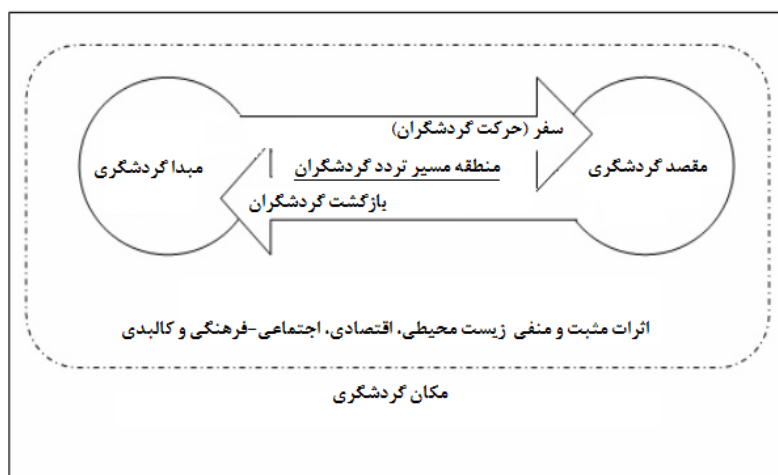
اثرات زیست محیطی: گردشگری می تواند دلیلی برای تقویت و حفاظت از منابع و یا عاملی برای تخریب و نابودی منابع و محیط های بکر و دست نخورده باشد. ساکنان محلی اثرات زیست محیطی به وجود آمده از گردشگری را در دو بعد مثبت و منفی مشاهده می نمایند. اثرات می تواند در قالب بهبود ظاهر جامعه میزبان، افزایش آلودگی و غیره نمایان شود. در هر صورت اثرات منفی زیست - محیطی به خاطر توجه بیش از حد جوامع محلی به مزایای حاصل از گردشگری، مورد چشم پوشی قرار می گیرند (همان: ۳۵).

مبانی نظری

از آنجا که این مقاله به دنبال تحلیل سیستمی اثرات گردشگری در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست محیطی است، بنابراین مبنای این پژوهش نظریه سیستمی است. نظریه سیستم ها نظریه ای بنیادی و چارچوبی فلسفی در برنامه ریزی بر مبنای سناریو است (چرماک^۱، ۲۰۰۴: ۱۵). از دیدگاه نظریه سیستمی، هر پدیده کوچک یا بزرگ، زنده یا غیرزنده در جهان، مجموعه ای سازمان یافته از عناصر و روابط معین است که سیستم نامیده می شود و عملکرد مشخص و هدفمند دارد (مهدیزاده، ۱۳۸۶: ۴۰). به عبارت دیگر، سیستم، کل پیچیده ای است که کارکرد آن به اجزا و تعامل بین آنها بستگی دارد (جکسون^۲، ۱۳۹۳: ۲۱). در صورتی که گردشگری را به مفهوم عام یک سیستم در نظر بگیریم، تمامی عناصر آن در راستای تحقق هدف در تعامل و روابط دوسویه قرار دارند. در عین حال به جهت تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هر سیستم با سیستم های دیگر، می توان برای

1. Chermack
2. Jackson

گردشگری روابطی بین سیستمی متصور شد که اثرات آن به صورت مثبت و یا منفی در ابعاد مختلف اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی نمود می یابد (شکل ۱).

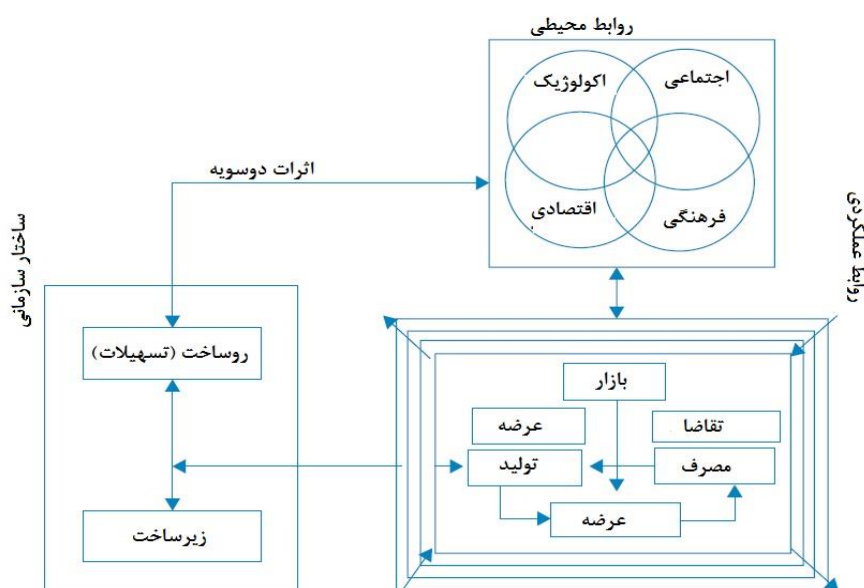


شکل ۱. بیان ساده شده سیستم گردشگری و اثرات آن

برگرفته از: Lamont, 2009 and Lieper, 2004

چنان که ذکر شد هر سیستم از تعدادی سیستم‌های فرعی یا زیرسیستم تشکیل شده است و از طرف دیگر، به عنوان جزئی از یک سیستم بزرگ یا فراتر از خود عمل می کند. زیرسیستم‌های اصلی به عنوان ساختار و سیستم‌های فراتر به عنوان محیط سیستم شناخته می شوند که در کنش و واکنش متقابل قرار دارند (مهدی زاده، ۱۳۸۶: ۴۰). نظریه سیستمی بر ترتیب و ارتباط میان بخش‌ها و نحوه فعالیت آن‌ها به عنوان یک کل تمرکز می کند. در این بین مواردی همچون چگونگی سازماندهی بخش‌ها و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر، خواص سیستم را تعیین می کند (چیکره و انوکا، ۲۰۱۵: ۱). به عبارت دیگر، علاوه بر مجموعه‌ای از بخش‌ها و روابط که اجزای سیستم را تعریف می کنند، عوامل محیطی و بیرونی سیستم نیز در تشکیل کل سیستم مؤثر است. بنابراین، در دیدگاه سیستمی،

«کل» بر اساس اجزای تشکیل دهنده بررسی می‌شود (چیکره و انوکا^۱، ۲۰۱۵: ۱). از سوی دیگر، هیچ سیستمی در خلاء وجود ندارد. بدیهی است که هر سیستم به محیط بیرونی و یک سیستم بزرگ‌تر، نظیر صنعت، نظام اقتصادی و جامعه تعلق دارد (وریچ و همکاران^۲، ۲۰۰۸). این تفاوت اصلی دیدگاه سیستمی با دیدگاه جزئی‌نگری است. زیرا در دیدگاه جزئی‌نگر، مؤلفه‌های یک مجموعه به شاخه‌های جزئی‌تر تقسیم می‌شوند و هر یک از اجزا به تنهایی بررسی و مطالعه می‌شوند، اما در نگاه سیستمی نوعی مجموعه‌نگری و کل‌نگری حاکم است (حمیدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۰). این کلی-نگری در تمامی اجزا و ابعاد قابل تأمل و بررسی است. چنان‌که در شکل ۲ نیز نشان داده شده است، گردشگری به عنوان یک سیستم پویا به جهت اثرات متقابل بین عرضه و تقاضا و به طور کلی بازار گردشگری و نیز زیرساخت‌ها و روساخت‌ها به صورت سیستمی، اثراتی را بر محیط خود که می‌تواند مبدأ، مقصد و یا حتی مسیر گردشگری باشد، می‌گذارد.



شکل ۲. روابط سیستمی و اثرات گردشگری

اقتباس از: Beni, 2001:48

1. Chikere & Nwoka
2. Weihrich et al

مروری بر پیشینه مطالعاتی پژوهش

مطالعه در حوزه گردشگری طیف وسیعی از مقالات علمی و پژوهش‌های دانشگاهی را در بر می‌گیرد که در حوزه‌هایی چون گردشگری و توسعه (فنی و همکاران، ۱۳۹۳؛ کاظمی، ۱۳۸۹)، گردشگری شهری (فنی و محمدنژاد، ۱۳۸۹) و گردشگری طبیعی (یانگ‌چو و همکاران، ۲۰۱۶) گستره وسیعی را شامل می‌شود. در این مقاله تنها بخشی از مطالعات انجام‌شده داخلی و خارجی، در حوزه اثرات گردشگری مورد توجه قرار گرفته است.

در زمینه پژوهش‌های داخلی مطالعات بسیاری در حوزه گردشگری و تحلیل اثرات آن به انجام رسیده که ذکر چند مورد می‌تواند در این زمینه، قالب کلی و نظری مطالعات را برای ما آشکار نماید. همراه با توسعه گردشگری در مناطق و شهرها و یا حتی در مقیاس ملی، اثراتی متوجه جامعه میزبان می‌شود که اثرات اقتصادی این توسعه جلوه بیشتری به خود می‌گیرد. از جمله این اثرات می‌توان به تولید ناخالص ملی، ذخایر ارزی و افزایش قیمت زمین اشاره کرد (حاجیلو و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰). در مقابل اثرات اقتصادی، که بسیاری از اثرات را می‌توان از لحاظ مادی اندازه‌گیری کرد، اثرات اجتماعی- فرهنگی گردشگری در بافت اجتماعی جامعه و رفاه افراد و خانواده‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد (برقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲). به عبارت دیگر، از لحاظ فرهنگی و اجتماعی، رونق گردشگری در یک منطقه باعث تعامل مثبت اجتماعی و فرهنگی جامعه محلی و گردشگران و در نتیجه شهرت یافتن آن منطقه خواهد شد، اما از طرف دیگر این توسعه تأثیرات منفی را برای جامعه میزبان به همراه خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به برهم خوردن تعادل بین جمعیت بومی و غیربومی در منطقه اشاره کرد (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

نتایج حاصل از همبستگی نگرش ساکنان مناطق گردشگری با اثرات حاصل از آن، ارتباط مثبت و معناداری را بین متغیر نگرش ساکنان با متغیرهای سن، درآمد، میزان وابستگی به گردشگری، میزان ارتباط با گردشگران، و درک اثرات نشان می‌دهد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۸۹).

البته در این بین می‌توان مطالعاتی را مشاهده نمود که به هر سه حوزه اثرات پرداخته‌اند و یا دسته‌بندی دیگری چون اثرات مثبت و منفی نیز در مطالعات مشاهده می‌شود.

در حوزه اثرات زیست‌محیطی می‌توان به مقاله مشترک قرخلو، رمضان‌زاده لسبویی و گلین شریف (۱۳۸۸) با عنوان «اثرات زیست‌محیطی گردشگری بر سواحل شهر رامسر» اشاره کرد که در آن با استفاده از روش میدانی و نیز پرسش‌نامه، آثار منفی زیست‌محیطی ناشی از توسعه گردشگری گردآوری شده است. یافته‌های میدانی و نتایج پرسش‌نامه‌هایی که توسط ساکنان پر شده، بیانگر آن است که توسعه این نوع گردشگری اثرات زیست‌محیطی فراوانی بر جای گذاشته است که مهم‌ترین آن‌ها تخریب پوشش گیاهی، آلودگی آب‌های ساحلی و از بین رفتن چشم‌انداز ساحلی است.

در حوزه اثرات اجتماعی - فرهنگی می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی اثرات اجتماعی - فرهنگی گردشگری بر جامعه میزبان» اشاره کرد که حاصل پژوهشی است که در شهر بانه انجام گرفته است. در این مقاله کروی، احمدی و رسولی (۱۳۹۵) به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه به بررسی اثرات اجتماعی و فرهنگی گردشگری در جامعه میزبان پرداخته‌اند. تحلیل یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در پیش‌بینی متغیر وابسته در جامعه میزبان، تغییر فرهنگی است و بعد از آن، اثر نمایشی و اقتباس فرهنگی بیش‌ترین تأثیر را بر نگرش جامعه میزبان بر جای گذاشته‌اند.

در حوزه اثرات اقتصادی براری، فیروزمند و هاشم‌پور (۱۳۹۵)، مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تحلیل اثرات اقتصادی گردشگری شهری از دیدگاه شهروندان» انجام داده‌اند که حاصل پژوهشی در شهر بابلسر است. بررسی‌های میدانی با ابزار پرسش‌نامه نشان می‌دهد که گردشگری از منظر جامعه میزبان دارای اثرات اقتصادی قابل توجهی است. نمونه عینی از اثرات اقتصادی گردشگری در ایران، را می‌توان در مطالعه کریمی دستنایی (۱۳۹۵) با عنوان آثار اقتصادی سفر و گردشگری در ایران، مشاهده کرد که در آن به تحلیل اثرات اقتصادی گردشگری در ایران از ابعاد مختلف پرداخته است.

در کنار مطالعات مورد اشاره، مواردی نیز به هر سه حوزه اثرات پرداخته‌اند. از این میان می‌توان به مقاله نوری و خراسانی (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیلی بر اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه گردشگری در شهرستان ساری» اشاره کرد که به روش اسنادی و پیمایشی به گردآوری داده‌ها پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که توسعه گردشگری در محدوده مورد مطالعه، اگرچه دارای تأثیرات اقتصادی مثبت است اما آثار نامطلوبی بر محیط زیست و همچنین محیط اجتماعی بر جای می‌گذارد. در این رابطه مقاله دیگری با عنوان «سنجش تأثیرات اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی توسعه گردشگری (مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر)» توسط ضرابی و اسلامی پریخانی (۱۳۹۰) انجام شده است که به روش خبره‌سنجی به سنجش اثرات پرداخته است. نتایج مطالعه نشان داد که گردشگری در محدوده مطالعه، دارای اثرات مثبت اجتماعی و اقتصادی و نیز اثرات منفی زیست‌محیطی بوده است.

بسیاری از مطالعات انجام‌شده خارجی پیرامون اثرات گردشگری نیز عمدتاً رویکردی موردی داشته و بیشتر برای منطقه یا شهری خاص انجام گرفته‌اند، برای مثال آندرک و همکاران^۱ (۲۰۰۷)، چوئی و سیراکایا^۲ (۲۰۰۶)، عارف^۳ (۲۰۱۱) و مرزوقی^۴ (۲۰۱۱) طی بررسی‌هایی، اثرات اقتصادی گردشگری را شامل ایجاد درآمد، اشتغال، بهبود کیفیت زندگی، توسعه زیرساخت‌ها و توزیع مناسب درآمدهای حاصل از گردشگری در سطح جامعه دانسته‌اند؛ در حالی که در نقطه مقابل آن، یعنی اثرات منفی، می‌توان به افزایش هزینه‌های زندگی و سطح عمومی قیمت‌ها (استرلینگ^۵، ۲۰۰۸؛ ۵۶) و همچنین مسائلی از قبیل ایجاد تورم، عدم محاسبه سایر هزینه فرصت‌ها، وابستگی بیش از اندازه به گردشگری و وقوع پدیده نشت در جریان درآمدها و سرمایه‌گذاری‌ها اشاره کرد (توحیدی^۶، ۲۰۱۱؛ ۲۰۸). در زمینه اثرات اجتماعی - فرهنگی نیز می‌توان به پژوهش‌های افرادی چون آندرک و

1. Andereck & et al

2. Choi & Sirakaya

3. Aref

4. Marzuki

5. Easterling

6. Tohidy

همکاران (۲۰۰۷) اشاره کرد که این اثرات را شامل بهبود ظاهر و سیمای شهر و منطقه مورد نظر، افزایش خدمات تفریحی و اجتماعی و افزایش مشکلات بهداشتی دانسته‌اند. در کنار این اثرات می‌توان به عواملی همچون بهبود امنیت و افزایش ایمنی نیز اشاره کرد که با توسعه این صنعت در جوامع ملی و محلی به وقوع می‌پیوندند (عارف^۱، ۲۰۱۱؛ ۲۸).

در مطالعه‌ای در ترکیه اثرات سه‌گانه گردشگری (اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی) از دو جهت مثبت و منفی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد این اثرات شامل افزایش اعتماد و اطمینان در میان مردم، بهتر شدن روابط اجتماعی و افق دید مردم محلی نسبت به بیگانگان و حفظ منابع و سرمایه‌های طبیعی و فرهنگی است (تورکر و اوزتورک^۲، ۲۰۱۳؛ ۵۳). دیدگاه‌های کلی ساکنان محلی در رابطه با گردشگری در جزیره چینکاتوگ^۳ نشان داد که جامعه محلی موافق این موضوع هستند که گردشگری در ایجاد غرور و تعهد ملی نقش بسزایی دارد (استرلینگ، ۲۰۰۸؛ ۵۶). در مطالعه‌ای مقایسه‌ای در اورگوب^۴ ترکیه اثرات اقتصادی، حقوقی و اجتماعی گردشگری مورد بررسی و پژوهش قرار گرفت، افزایش حس میهمان‌نوازی مردم جامعه محلی نسبت به بیگانگان و شکل‌گیری تصویری مطلوب از جامعه میزبان را می‌توان از نتایج مهم این پژوهش برشمرد (توسون^۵، ۲۰۰۲؛ ۲۳۷). از جمله معایبی که این توسعه به همراه داشته، به هم خوردن ظاهر طبیعی و بکر جزیره در اثر ساخت‌وسازهای بی‌رویه بوده است (استرلینگ، ۲۰۰۸؛ ۵۶).

مطالعه تأثیر گردشگری بر بهره‌وری مصرف‌کننده‌گان از محیط زیست در مالیندی کنیا نشان داد که مصرف‌گرایی، گرایش به خرید کالاهای غیرضروری و افزایش مالکان سرمایه و نیروی کار - خارجی، در نتیجه توسعه گردشگری اتفاق می‌افتد، علاوه بر آن مسائل و مشکلات زیست‌محیطی و اجتماعی با یکدیگر در ارتباط هستند (وام‌وارا و کرانول^۶، ۲۰۰۸؛ ۱۰۴-۱۰۹). بر اساس نظر

-
1. Aref
 2. Öztürk & Türker
 3. Chincoteague
 4. Ürgüp
 5. Tosun
 6. Wamwara & Cornwell

جکسون و اینباکاران^۱ (۲۰۰۶) عواملی را که دیدگاه ساکنان را نسبت به گردشگری تحت تأثیر قرار می‌دهد می‌توان در سه گروه عوامل جمعیتی، اجتماعی و شخصی بررسی کرد. می‌توان تعلق - اجتماعی جامعه محلی را یک ساختار پیچیده برای ارزیابی نگرش‌های ساکنان جامعه میزبان نسبت به جامعه‌شان در راستای گردشگری دانست. برخی محققان معتقدند که تعلق اجتماعی به طور مستقیم و چشمگیری بر حمایت از توسعه گردشگری پایدار تأثیرگذار است (بیدختی و همکاران به نقل از گارسوی و رادفورد^۲، ۱۳۹۳؛ ۵). تعلق اجتماعی می‌تواند به عنوان یک مشارکت اجتماعی به طور انفرادی و ادغام در زندگی اجتماعی مورد توجه قرار گیرد و پیوندی مؤثر یا ارتباطی عاطفی بین یک اجتماع منفرد ویژه ایجاد کند (بیدختی و همکاران، ۱۳۹۳؛ ۱۸). لین^۳ (۲۰۰۱) بیان می‌کند که تعلق اجتماعی بیشتر ساکنان منجر به توسعه بهتر گردشگری می‌شود، به طوری که ویلیام و همکاران^۴ (۱۹۹۵) در مقاله خود عنوان می‌کنند که درک صحیح و بهتر از سرمایه اجتماعی برای عملی شدن توسعه پایدار امری مهم و غیرقابل اجتناب است.

طرف مقابل این قضیه زمانی اهمیت می‌یابد که امکان بررسی گردشگری با توجه به اثرات منفی حاصل از آن وجود داشته باشد؛ اثراتی که تأثیر مخرب آنها بیشتر در زندگی اجتماعی و ارزش‌های ساکنان محلی و ارزش‌های بومی و سنتی مشاهده می‌شود. برخی پژوهش‌گران از جمله پرز و نادال^۵ (۲۰۰۵)، چوئی و راین (۲۰۱۱) و تورکر و اوزتورک (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیدند که گردشگری انبوه امکان دارد ثبات و دوام فرهنگ‌های محلی را با موانع جدی رو به‌رو سازد که در اثر آن شاهد مسائلی همچون کم‌رنگ شدن روابط اجتماعی و پیوندهای خانوادگی خواهیم بود. زمانی که یک مقصد گردشگری در دوره بلوغ خود قرار دارد، به خاطر تراکم بیش از حد جمعیت ممکن است نارضایتی‌هایی از جانب مردم جامعه محلی به وجود آید؛ این رنجش و نارضایتی می‌تواند در اثر

-
1. Jackson & Inbakaran
 2. Gursoy & Rutherford
 3. Lin
 4. Williams
 5. Perez & Nadal

ایجاد اختلال در دسترسی به خدمات و امکانات عمومی حاصل شود و یا می‌تواند در اثر وجود شکاف آشکار میان گردشگران و جامعه میزبان از نظر وضعیت‌های اقتصادی، الگوهای رفتاری و وضع ظاهری باشد. حل این شکاف اجتماعی از جانب جامعه محلی ممکن است به صورت تقلید از گردشگران انجام پذیرد؛ اثری که به اصطلاح از آن با عنوان «اثر نمایشی» یاد می‌شود و بیانگر آن است که مردم محلی تمایل زیادی به استفاده از کالاهای تجملی و وارداتی دارند و خواهان آن هستند که خود را همانند گردشگران خارجی جلوه دهند (گلدنر و ریچی^۱، ۲۰۱۲؛ ۲۴۲-۲۴۱).

ژو^۲ (۱۹۸۶) در مقاله خود به این نکته اشاره می‌کند که محیط گردشگری شامل دو محیط انسانی و فیزیکی است که این دو خود عوامل انسانی و طبیعی از جمله هوا، خاک، پوشش گیاهی و جانوری، ایجاد تسهیلات خدماتی، مناظر طبیعی، رنگ و صدا و دیگر عوامل زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد. همان‌طور که قبلاً عنوان شد توسعه گردشگری می‌تواند اثرات مثبت و منفی زیست‌محیطی برای جامعه میزبان به همراه داشته باشد، که اثرات مثبت این توسعه به احتمال زیاد خود را در قالب حفظ و حراست از محیط زیست و مدیریت کیفیت و بهره‌وری مثبت از آن (مثل شکل‌گیری محوطه‌های فضای سبز و ...) نشان می‌دهد و اثرات منفی در قالب انواع آلودگی، افزایش تولید زباله، کاهش مناظر طبیعی و زمین‌های کشاورزی و غیره نمایان می‌شود (ویشوانادا و همکاران^۳، ۲۰۱۴؛ ۲۶۱).

همچنین رشد آگاهی‌های مردم محلی در رابطه با مسائل زیست‌محیطی با توسعه گردشگری روزبه‌روز جلوه بهتر و بیشتر به خود می‌گیرد (چوئی و رایان^۴، ۲۰۱۱؛ ۶۱۱). کوهن^۵ معتقد است از آنجا که گردشگری که می‌تواند انگیزه‌ای برای پاکیزگی محیط زیست باشد، کیفیت محیط زیست گردشگری را از طریق کنترل آلودگی صوتی و هوا و دیگر مشکلات زیست‌محیطی، به همراه حفظ زیبایی‌شناسی از طریق برنامه‌های محوطه‌سازی، از جمله طراحی مناسب ساختمان، کنترل ورود به

-
1. Goeldner & Ritchie
 2. Zhou
 3. Vishwanatha, S & Chandrashekara
 4. Cui & Ryan
 5. Cohen

سیستم ساختمان و تعمیر و نگهداری، بهبود می‌بخشد (اینسکیپ^۱، ۱۹۹۱: ۳۳۹). در سوی دیگر یافته‌های ریزال و آسوکان^۲ (۲۰۱۴) نشان داد که مسائل و مشکلات زیست‌محیطی گردشگری متناسب با شرایط هر منطقه فرق می‌کند. از نظر تئوریک ظرفیت تحمل، فرسایش زمین، آلودگی، جنگل‌زدایی، دفع‌زباله و غیره به عنوان مهم‌ترین اثرات منفی زیست‌محیطی ناشی از توسعه گردشگری معرفی شده‌اند.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی بوده و از نظر نوع، توصیفی-تحلیلی با رویکرد ساختاری است. این پژوهش از نظر ماهیت داده‌ها، ترکیبی^۳ و بر اساس شیوه گردآوری داده‌ها، اسنادی و پیمایشی است. در این مقاله به منظور سنجش اثرات متقابل متغیرها در یک نگاه سیستمی از رویکرد ساختاری بهره گرفته شده است. گوردون برای اولین بار سنجش تأثیرات متقابل متغیرها را در سال ۱۹۶۶ ابداع کرد. این روش یکی از روش‌های برجسته برنامه‌ریزی بر پایه سناریو است و بر این سؤال بنا نهاده شده است: آیا پیش‌بینی آینده می‌تواند مبتنی بر تأثیرات احتمالی متقابل اتفاقات آینده بر یک‌دیگر باشد (گوردون^۴، ۱۹۹۴: ۱۲)؟

تجزیه و تحلیل آینده یا «آینده‌نگاری» روشی متفاوت در تصمیم‌گیری و مدیریت مدرن است. بسیاری از مزیت‌های رقابتی شرکت‌ها و سازمان‌ها با شناسایی دقیق سناریوهای قابل دست‌یابی هستند و می‌توانند به کمک این روش‌ها تغییرات پیش‌روی محیطی را پیش‌بینی کنند. در این بین روش سناریوی پیشنهاد شده توسط گادت^۵ یکی از روش‌های پرکاربرد در آینده‌نگاری محسوب می‌شود (گادت، ۲۰۰۸). با استفاده از تجزیه و تحلیل ساختاری، متغیرهای مهم یک سیستم از طریق ماتریس

-
1. Inskip
 2. Rizal & Asokan
 3. Mix Method
 4. Gordon
 5. Godet

شناسایی، و اثرات هر یک از متغیرها بر یکدیگر قابل تشخیص است. با این تفاسیر این پژوهش از دو فاز به قرار زیر تشکیل شده است:

- تشکیل سیستم پایه،
 - تجزیه اجزای سیستم پایه و تبیین حوزه‌های تعیین‌کننده اثرات توسعه گردشگری.
- در فاز اول به منظور تشکیل سیستم پایه (جمع‌آوری اطلاعات) و تعیین معیارهای مؤثر در ارزیابی پیامدهای گردشگری در سه حوزه اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی از روش دلفی و بررسی اسنادی استفاده شده است. به طور کلی در مطالعات سناریومبنا، تخصص و دانش خبرگان بر کمیت کلی ارجحیت داشته و حجم نمونه مورد نظر نباید کمتر از ۲۵ نفر باشد (گادت و همکاران^۱، ۲۰۰۸). در این پژوهش به منظور انتخاب آگاهانه شرکت‌کنندگان، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در این روش شرکت‌کنندگان توسط پژوهشگر دست‌چین می‌شوند؛ چراکه یا به صورت مشخص دارای ویژگی خاصی بوده و یا غنی از اطلاعات در موردی خاص هستند. این روش، زمانی استفاده می‌شود که نیاز به نمونه‌های خبره باشد. پژوهشگران با انتخاب موارد غنی از اطلاعات که شامل افراد، گروه‌ها و مؤسساتی است که بینش کاملی نسبت به سؤال پژوهش فراهم می‌کنند، به این مهم دست می‌یابند (دورز و فرانکل^۲، ۲۰۰۰). به عبارت دیگر، اساس به کار بردن روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب گروهی از خبرگان است که بررسی عمقی یا فهم کلی نسبت به ماهیت پرسش‌نامه پژوهش داشته باشند (نئومن^۳، ۲۰۰۷).

با استناد به توضیحات بالا، جامعه آماری پژوهش مورد نظر متشکل از ۲۷ نفر از خبرگان و کارشناسان توسعه و برنامه‌ریزی در سطوح مختلف با تخصص‌های برنامه‌ریزی گردشگری، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به عنوان اعضای هیأت علمی (دانشگاه تهران و دانشگاه علم و فرهنگ) بوده که حجم مورد نظر بر اساس رویکرد اشباع نظری تعیین شده است. به رغم کمی بودن داده‌ها،

1. Godet et al
2. Devers & Frankel
3. Neuman

نکته اساسی در تعیین حجم و نیز منظور از اشباع، ارقام مورد نظر در مقایسه سیستمی اثرات است؛ به واقع با بررسی اولیه در مقادیر ارائه شده توسط تیم خبره، نتایج حاصل حاکی از تکرار و عدم الزام به بررسی بیشتر بود. بر این اساس حجم مورد نظر در تعداد مذکور متوقف گردید.

بازه زمانی گردآوری داده‌های این پژوهش آذرماه سال ۱۳۹۴ بود که در استان تهران انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه ماتریس تحلیل متقاطع بود که متغیرها و عوامل آن بر مبنای مطالعات اسنادی تعیین و روایی آن توسط خبرگان این حوزه بررسی و تأیید گردید. بدین‌گونه که متغیرهای شناسایی شده را در فاز اول در ماتریس تحلیل آثار وارد کرده و میزان ارتباط این متغیرها با حوزه مربوطه توسط خبرگان تشخیص داده شده است. شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش، سه حوزه اثرات اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی گردشگری را پوشش می‌دهد. داده‌های این بررسی، با توجه به عوامل شناخته شده برای درک میزان تأثیر هر یک از متغیرها بر یک‌دیگر و ضرورت تحلیل سیستمی آن در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت گردشگری کشور جمع‌آوری شده است. در فاز دوم (تحلیل اجزای سیستم پایه)، متغیرهای راهبردی در توسعه گردشگری کشور و قابلیت‌های توسعه این صنعت گونه‌بندی و تحلیل می‌شوند. برای این منظور روش تحلیل آثار متقاطع عوامل با استفاده از تکنیک تحلیل ساختاری در قالب نرم‌افزار میک‌مک^۱ به کار گرفته شده است (دوانگان و همکاران^۲، ۲۰۱۵؛ ۲۳). در جدول ۱ نمونه‌ای فرضی از ماتریس تحلیل برای ۶ متغیر فرضی A۱ تا A۵ نشان داده شده است.

جدول ۱. نمونه فرضی از ماتریس متغیرهای استراتژیک

	A1	A4	A3	A4	A5
A1	۰	۱	۰	۱	۳
A2	۲	۰	۱	۱	۱
A3	۲	۰	۰	۰	۳
A4	۳	۱	۲	۰	۳
A5	۳	۳	۱	۰	۰

1. Micmac

2. Dewangan & et al

طبق پژوهش‌های انجام گرفته، روش میک‌مک نوعی تحلیل ساختاری است که هدف آن شناخت متغیرهای خیلی مهم یک سیستم در میان مجموعه‌ای از متغیرها است که توسط گروهی از کارشناسان خبره انجام می‌گیرد. این روش شامل سه مرحله است:

۱. تعریف متغیرهای مربوطه: گردآوری متغیرهای مورد نظر (آثار گردشگری) ممکن است توسط گروهی از کارشناسان، طوفان ذهنی (بهره‌گیری از نظرات خبرگان) و یا مطالعه پیشینه پژوهش انجام گیرد. در این مرحله فهرستی از متغیرها به عنوان خروجی کار ایجاد می‌شود. لازم به ذکر است که می‌توان شمار نامحدودی از متغیرها را تعریف کرد. تیم کارشناسی همچنین باید متغیرهای مشتق را که تحت پوشش متغیرهای اصلی قرار دارند، تعریف نماید.

۲. تشخیص رابطه بین متغیرها: کارشناسان با استفاده از ماتریس $(n) \times (n)$ ، رابطه و نیز تأثیر هر یک از متغیرها را با متغیرهای دیگر به صورت کمی نشان می‌دهند. این ماتریس با عنوان MDI^1 یا ماتریس تأثیر مستقیم شناخته می‌شود، هر MDI_{ij} نشان دهنده تأثیر هر متغیر i بر متغیر j است که این ارزش‌گذاری می‌تواند به صورت اعداد کمی از صفر تا ۳ نشان داده شود. با این توضیح که:

- عدد صفر نشان‌دهنده عدم وجود ارتباط بین متغیرها،
- عدد ۱ رابطه ضعیف،
- عدد ۲ رابطه متوسط و
- عدد ۳ رابطه قوی است.

در این بین خانه‌هایی که به صورت مورب در ماتریس وجود دارند صفر در نظر گرفته می‌شوند (آسان و آسان^۲، ۲۰۰۷؛ ۶۴۴-۶۲۷).

۳. بیان متغیرهای کلیدی: این مرحله گامی مهم در فرایند تحلیل محسوب می‌شود. ارائه سنجش‌ها و بررسی‌های لازم که به ما درجه اهمیت یک متغیر را نشان می‌دهد از طریق ماتریس تأثیر مستقیم

مورد محاسبه قرار می‌گیرد (ویلاکورتا و همکاران^۱، ۲۰۱۴، ۲۱). به واقع نتایج حاصل از خروجی میک‌مک نشان‌دهنده نوع اثر و رابطه آن‌ها است و این امر در تعیین متغیرهای کلیدی جهت ارائه بهترین برنامه مدیریتی، نقش حیاتی دارد.

گونه‌شناسی متغیرها

بر اساس تحلیل‌ها و خروجی‌های حاصل از نرم‌افزار میک‌مک، متغیرها در پنج دسته به قرار زیر قابل دسته‌بندی هستند:

متغیرهای تأثیرگذار یا تعیین‌کننده: این متغیرها تعیین‌کننده و تا حدودی وابسته هستند. این متغیرها در قسمت شمال‌غربی چارت قرار دارند و بخش بیشتری از سیستم به این متغیرها وابسته است. این متغیرها همچنین به عنوان متغیرهای ورودی شناخته می‌شوند. در واقع میزان تأثیرگذاری این متغیرها بر متغیرهای دیگر به مراتب بالاتر از میزان تأثیرپذیری آنها از متغیرهای دیگر در آینده است. به عبارت دیگر پایداری سیستم شدیداً به این متغیرها بستگی دارد و آنها متغیرهای کلیدی و تعیین‌کننده رفتار سیستم هستند و از این جهت آنها را پیشران‌های اصلی توسعه نیز می‌نامند (بهشتی و زالی، ۱۳۹۰، ۵۵).

متغیرهای دو وجهی یا تقویت‌کننده: این متغیرها هم‌زمان می‌توانند خیلی تأثیرگذار و خیلی وابسته باشند. محل قرارگیری آنها در شمال شرقی چارت است. این متغیرها با توجه به ماهیت بی-ثبات‌شان ممکن است بر روی دیگر متغیرها و گاه بر روی متغیرهای تأثیرگذار هم تأثیراتی داشته باشند. این متغیرها در دو گروه قابل تمیز است:

الف) متغیرهای ریسک، به طور خاص در موازات خط قطری قرار دارند و از پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به بازیگران اصلی برخوردارند و با توجه به ویژگی ناپایدار خود، یک نقطه انفصال بالقوه برای سیستم محسوب می‌شوند. ب) متغیرهای هدف، زیر خط قطری شمال شرقی قرار گرفته‌اند و بیشتر وابسته‌اند تا تأثیرگذار. بنابراین می‌توان آنها را تا حد معینی به عنوان نتایج حاصل از

1. Villacorta

سیستم در نظر گرفت. بنابراین می‌توان بر روی آن‌ها یک عمل تعمدی انجام داد و در جهت مورد نظر آنها را هدایت کرد. این متغیرها به جای اهداف از پیش تعیین شده نشان‌دهنده اهداف کلی برای کل سیستم هستند.

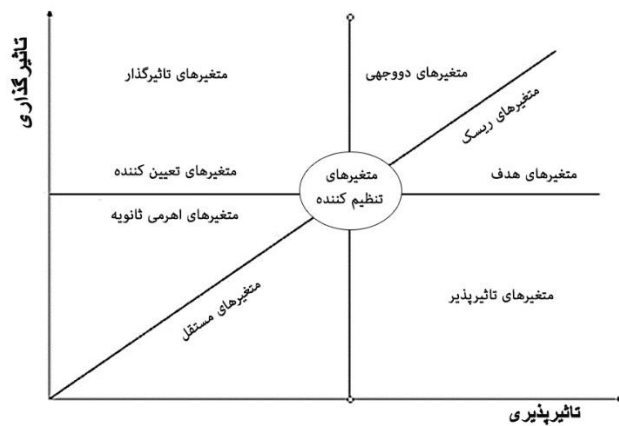
متغیرهای تأثیرپذیر یا متغیرهای نتیجه: این متغیرها در بخش جنوب شرقی نمودار قرار گرفته‌اند و دارای تأثیرگذاری کم و تأثیرپذیری زیاد هستند. به عبارتی حساسیت خاصی نسبت به تغییرات متغیرهای تأثیرگذار و دوجهی دارند. بنابراین رفتار و عملکرد آنها تحت تأثیر اثرات ناشی از متغیرهای دیگر توضیح داده می‌شود. همچنین آنها به عنوان متغیرهای خروجی در سیستم مورد نظر تلقی می‌شوند.

متغیرهای مستقل یا خنثی: تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کم از ویژگی‌های این متغیرها به حساب می‌آید و به عنوان متغیرهای قابل چشم‌پوشی در سناریوهای اصلی توسعه در نظر گرفته می‌شوند. محل قرارگیری آنها بر روی نمودار قسمت جنوب غربی آن است. این متغیرها کاملاً خارج از نمودار به نظر می‌رسند تا جایی که امکان تداخل در کار سیستم و یا امکان استفاده از آن برای این متغیر وجود ندارد. به عبارت دیگر تأثیر بسیار اندکی را بر روی سیستم بر جای می‌گذارند. بنابراین این متغیرها رفتار نسبتاً مستقلی در سیستم بروز می‌دهند. با اینکه به عنوان متغیرهای راهبردی توسعه مورد تحلیل قرار می‌گیرند می‌توان این متغیرها را به دو گروه متمایز کرد: الف) متغیرهای گسسته: که نزدیک مبدأ محور واقع شده‌اند و بی‌ارتباط با پویایی سیستم و قابل خارج کردن از سیستم هستند.

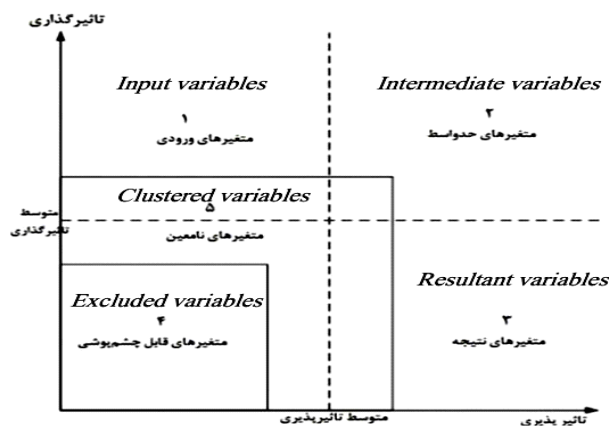
ب) متغیرهای اهرمی ثانویه: کاملاً مستقل‌اند و تأثیرگذاری بیشتری دارند تا تأثیرپذیری. جایگاه آنها در نمودار جنوب غربی و کاملاً بالای محور قطری است و ممکن است به عنوان بازیگران ثانویه و یا به عنوان نقاط کاربردی برای اقدامات ضمیمه‌ای مورد استفاده قرار گیرند.

در نهایت آخرین متغیرهایی که لازم به یادآوری است متغیرهای تنظیم‌کننده نام دارند. این نوع متغیرها قابل تبدیل شدن به متغیرهای اهرمی ثانویه، دوجهی ثانویه و غیره‌اند. متغیرهای نامعین به

عنوان متغیرهایی معرفی شده‌اند که سیستم درباره آنها نمی‌تواند تصمیم‌گیری قطعی بکند. به عبارت دیگر، با توجه به قرارگیری آنها در نواحی مرزی هر یک از چهار ناحیه دیگر، امکان پیوستن این متغیرها در آینده سیستم به یکی از چهار ناحیه دیگر بسیار زیاد است (ساریجام و همکاران، ۲۰۱۲؛- ۱۴۱). بر اساس آنچه که در جداول ۲، ۳ و ۴ ارائه شده است متغیرهای مورد مطالعه جهت تحلیل ساختاری (سیستمی) اثرات مثبت و منفی گردشگری در حوزه‌های سه‌گانه (اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی) ارائه شده‌اند.



شکل ۳. نمودار پراکندگی متغیرها از نظر تأثیر پذیری و تأثیر گذاری. منبع: بهشتی و زالی (۱۳۹۰: ۴۷)



شکل ۴. نمودار پراکندگی متغیرها از نظر تأثیر پذیری و تأثیر گذاری. منبع: گادت و همکاران (۲۰۰۸: ۶۱)

جدول ۲. اثرات مثبت و منفی گردشگری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست محیطی

حوزه	نوع	اثرات
اقتصادی	مثبت	افزایش درآمد - بهبود سرمایه‌گذاری - ایجاد اشتغال - ارزآوری - تنوع شغلی و فرصت و ایجاد کسب و کارهای جدید - کمک به افزایش تولید ناخالص ملی - توسعه زیرساخت‌ها - رونق بازار محلی - کاهش فقر و توزیع ثروت - بهبود استانداردهای زندگی - رقابت‌پذیری
	منفی	بورس‌بازی و افزایش قیمت زمین و مسکن - فصلی بودن گردشگری و عدم وجود امنیت شغلی - افزایش هزینه‌های زندگی - ایجاد تورم - نشت درآمدهای گردشگری - توجه صرف به گردشگری و عدم محاسبه سایر هزینه فرصت‌ها - جذب نیروهای متخصص غیرمحلی - کمیابی برخی کالاهای ضروری در فصول خاص گردشگری
اجتماعی و فرهنگی	مثبت	بهبود ارائه خدمات آموزشی، تفریحی، اجتماعی و درمانی - کاهش برون‌کوچی - برندسازی منطقه - افزایش مشارکت و سرمایه اجتماعی - افزایش امنیت - شکل‌گیری تصویری مطلوب از جامعه میزبان - احیای ارزش‌های محلی - تبادل و ارتقای فرهنگ - بومی - هویت‌سازی و تعلق اجتماعی - توسعه فرهنگی و افزایش آگاهی عمومی
	منفی	افزایش شکاف اجتماعی - تراکم زیاد جمعیت و ازدحام بیش از حد و افزایش حجم ترافیک - کاهش ظرفیت تحمل روانی - تغییر ترکیب جمعیتی - افزایش مشکلات بهداشتی - مصرف‌گرایی - کم‌رنگ شدن ارزش‌های بومی - کم‌رنگ شدن روابط اجتماعی - اثر نمایشی - افزایش مشکلات ساکنان محلی در استفاده از امکانات و خدمات عمومی - افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی - کالایی شدن فرهنگ
زیست محیطی	مثبت	افزایش سطح پهنه‌های سبز مانند پارک‌ها - مدیریت پسماند و مواد زائد - ترویج معماری سبز - احداث نواحی شکار ممنوع و حفاظت‌شده در جهت جذب گردشگران - افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی (ترویج حساسیت جامعه محلی به منابع طبیعی و محافظت از منابع طبیعی و پارک‌های ملی و حیات وحش و ایجاد انگیزه‌ای برای حفاظت از محیط زیست) - بهبود کیفیت محیط زیست
	منفی	افزایش آلودگی آب و هوا - آلودگی صوتی و اغتشاش بصری و آلودگی بویایی - افزایش تولید زباله - کاهش سطح سرانه‌های طبیعی - تخریب پوشش گیاهی و جانوری - تراکم و فرسایش خاک و لغزش زمین و فشرده شدن خاک‌های سطحی - ساخت و سازهای بی‌رویه و تسطیح‌سازی زمین و در نتیجه کمبود فضای باز - کاهش ظرفیت تحمل فیزیکی - از بین رفتن منابع و سرمایه‌های طبیعی و تاریخی در برابر توسعه گردشگری

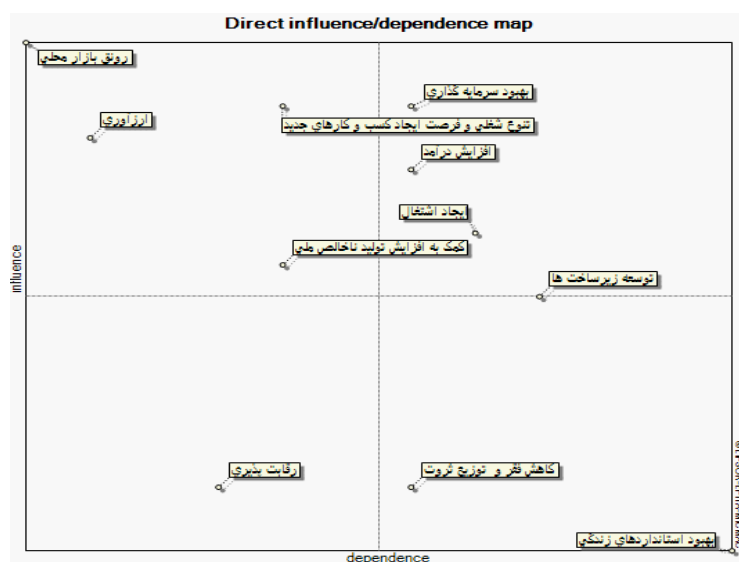
منبع: نگارندگان

به طور کلی می‌توان گفت در این پژوهش، ۵۶ متغیر به عنوان عوامل اولیه شناسایی و با نرم‌افزار میک‌مک تحلیل شد. ابعاد ماتریس اثرات مثبت اقتصادی ۱۱×۱۱، ابعاد ماتریس اثرات منفی اقتصادی ۸×۸، ابعاد ماتریس اثرات مثبت اجتماعی - فرهنگی ۱۰×۱۰، ابعاد ماتریس منفی اجتماعی - فرهنگی - ۱۲×۱۲، ابعاد ماتریس اثرات مثبت زیست‌محیطی ۶×۶ و بالاخره ابعاد ماتریس اثرات منفی زیست-محیطی ۹×۹ بوده است. در ماتریس متقاطع جمع اعداد سطرهای هر عامل، میزان تأثیرگذاری و جمع ستونی هر عامل میزان تأثیرپذیری آن را از عوامل دیگر نشان می‌دهد.

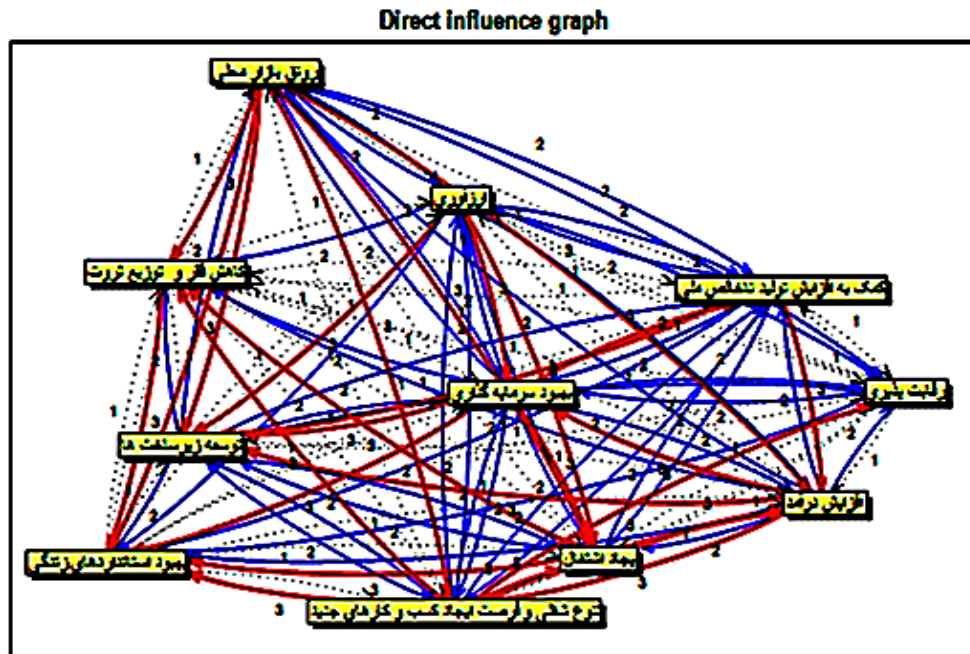
تجزیه و تحلیل و تشریح اثرگذاری گردشگری در ابعاد مختلف

با توجه به ماهیت جدول مختصات و خروجی اثرات مستقیم، همان‌طور که در شکل ۵ ملاحظه می‌شود، وضعیت کلی سیستم گردشگری و اثرات مرتبط با آن بدین شرح است: متغیرهای ورودی در قسمت شمال غربی شامل رونق بازار محلی، ارزآوری، تنوع شغلی و ایجاد فرصت کسب‌وکار جدید و افزایش تولید ناخالص داخلی است که به عنوان متغیرهای تعیین‌کننده و تأثیرگذار شناخته می‌شوند و به‌واقع بسیاری از متغیرهای دیگر تحت تأثیر این متغیرها قرار دارند. در سوی دیگر این نمودار و در قسمت شمال شرقی آن، متغیرهایی چون بهبود سرمایه‌گذاری، افزایش درآمد، ایجاد اشتغال و توسعه زیرساخت‌ها قرار داشته که به عنوان متغیرهای دو وجهی یا تقویت‌کننده یاد می‌شوند. این متغیرها در مواردی می‌توانند بر روی متغیرهای تأثیرگذار نیز اثر داشته باشند. در این بین بهبود سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد به خاطر پتانسیل بالایی که برای تبدیل شدن به بازیگران اصلی دارند و با توجه به ویژگی ناپایدار خود، یک نقطه انفصال بالقوه برای سیستم محسوب می‌شوند و از آنها با عنوان متغیرهای ریسک یاد می‌کنند. همچنین ایجاد اشتغال و توسعه زیرساخت‌ها از آن جهت که تا حد معینی به عنوان نتایج حاصل از سیستم در نظر گرفته می‌شوند، به عنوان متغیرهای هدف شناسایی شده و می‌توان با استفاده از یک برنامه اصولی، متغیرهای مورد نظر را در جهت پایداری سیستم گردشگری هدایت کرد. این متغیرها به جای اهداف از پیش تعیین‌شده نشان‌دهنده اهداف کلی برای کل سیستم هستند.

در بخش جنوب شرقی شکل ۵ شاهد وجود متغیرهای کاهش فقر و بهبود ثروت و افزایش استانداردهای زندگی هستیم که متغیرهای خروجی سیستم را تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر این متغیرها دارای تأثیرپذیری زیاد و تأثیرگذاری کم هستند. به بیانی دیگر حساسیت خاصی نسبت به تغییرات متغیرهای تأثیرگذار و دوجوهی دارند. در بخش جنوب غرب متغیرهایی را مشاهده می‌کنیم که از حداقل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری برخوردارند و به نوعی خارج از سیستم به نظر می‌رسند و کم‌ترین دخالت را در کار سیستم دارند. رقابت‌پذیری در صنعت گردشگری ایران دارای چنین ویژگی است. در عین حال با توجه به روابط سیستمی بین متغیرهای مربوط به اثرات مثبت اقتصادی - گردشگری، می‌توان به صورت شماتیک روابط مورد نظر را در شکل ۶ و در قالب گراف اثرات (روابط متغیرها) نشان داد. بر اساس آنچه در این نمودار نشان داده شده و با در نظر گرفتن سطح نمایش، ۱۰۰ درصد روابط عمده متغیرها یا اثرات حاصله، دارای روابط دوسویه با یکدیگر بوده و به نحوی متأثر از تغییرات یکدیگر هستند. بر اساس نظر خبرگان و با توجه به شکل مربوطه می‌توان گفت تنها در مواردی چون ارزآوری، کاهش فقر و توزیع ثروت، اثر قوی مستقیم برقرار نبوده و عمدتاً متأثر از روابط غیرمستقیم هستند.



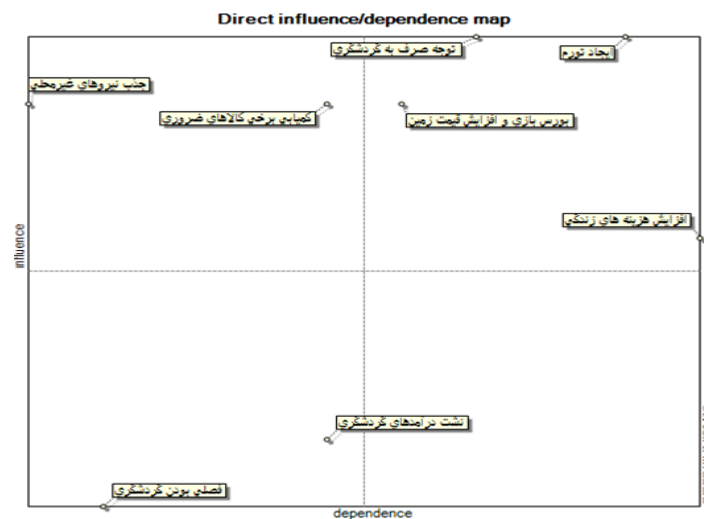
شکل ۵. نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم اثرات مثبت اقتصادی



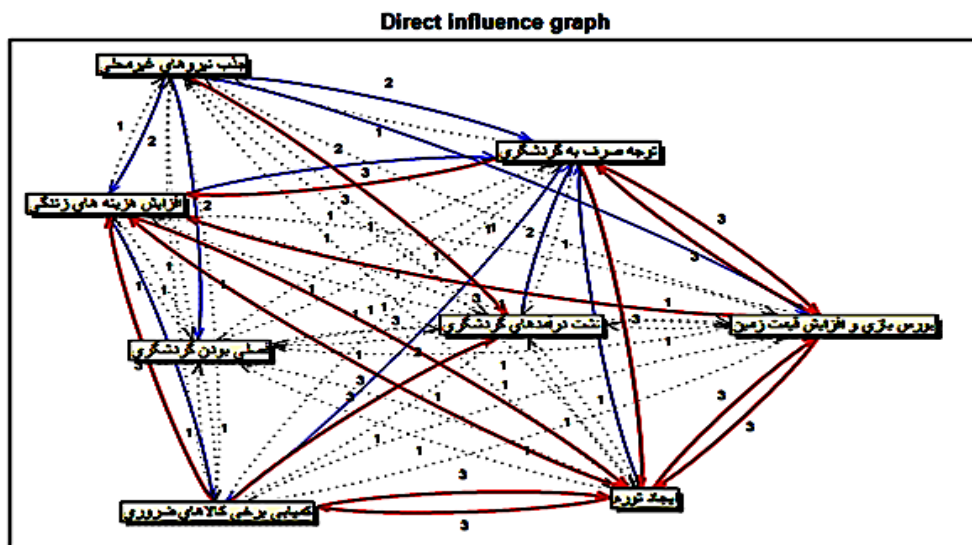
شکل ۶. گراف تأثیرگذاری مستقیم اثرات مثبت اقتصادی

وضعیت کلی سیستم اثرات منفی اقتصادی گردشگری در مختصات شکل ۷ بدین شرح است: متغیرهای ورودی در قسمت شمال غربی شامل جذب نیروهای غیرمحلی و کمیابی برخی کالاهای ضروری می شود که بیانگر متغیرهای تأثیرگذار هستند. در قسمت شمال شرقی شکل مربوطه، قرار گرفتن متغیرهایی چون توجه صرف به گردشگری، ایجاد تورم، بورس بازی و افزایش قیمت زمین و افزایش هزینه های زندگی بیانگر دو وجهی بودن آنها هستند. در این بین متغیرها یا اثراتی چون توجه صرف به گردشگری، ایجاد تورم، بورس بازی و افزایش قیمت زمین به خاطر پتانسیل بالایی که برای تبدیل شدن به بازیگران اصلی دارند در گروه متغیرهای ریسک قرار می گیرند. همچنین افزایش هزینه های زندگی به عنوان متغیرهای هدف شناسایی می شوند، به این دلیل که تا حد معینی به عنوان نتایج حاصل از سیستم در نظر گرفته می شوند. در بخش جنوب شرقی شکل ۷ شاهد وجود هیچ گونه متغیر تأثیرپذیر (متغیر خروجی) نیستیم. به بیان دیگر نمی توان متغیری را پیدا کرد که حساسیت خاصی نسبت به تغییرات متغیرهای تأثیرگذار و دوجوهی داشته باشد. در بخش جنوب-

غرب متغیرهایی را نظاره گر هستیم که از حداقل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری برخوردارند و به نوعی دارای کمترین دخالت و تداخل در کار سیستم هستند. فصلی بودن گردشگری و نشت درآمدهای گردشگری در این گروه قرار دارد. شکل ۸، روابط موجود بین متغیرها را در قالب گراف نشان می-دهد و بیانگر شدت روابط دوسویه بین متغیرها است.

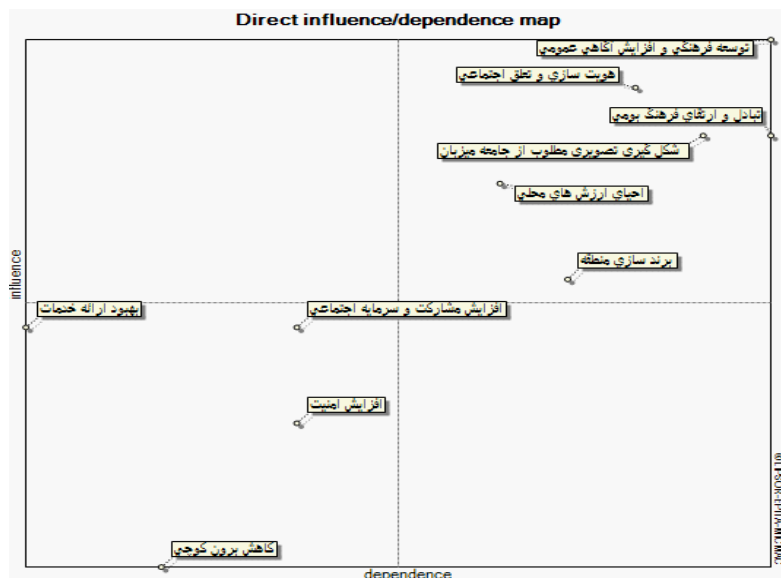


شکل ۷. نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم اثرات منفی اقتصادی

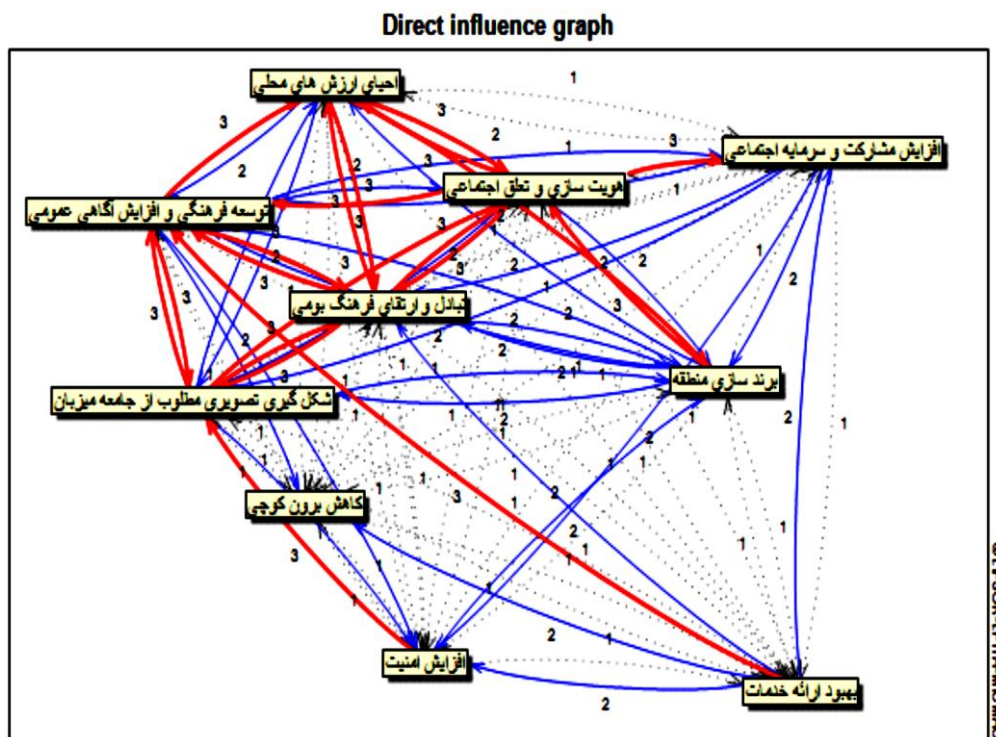


شکل ۸. گراف تأثیرگذاری مستقیم اثرات منفی اقتصادی

نقش متغیرها یا اثرات مثبت اجتماعی- فرهنگی گردشگری با توجه به شکل ۹ بدین شرح است: با توجه به خروجی‌های به دست آمده از نظرات خبرگان هیچ‌گونه متغیر تأثیرگذار و تأثیرپذیری را در بخش‌های شمال غربی و جنوب شرقی مشاهده نمی‌کنیم. در قسمت شمال شرقی، نمودار متغیرهایی چون توسعه فرهنگی و افزایش آگاهی مردم، هویت‌سازی و تعلق اجتماعی، احیای ارزش‌های محلی جزو متغیرهای دووجهی قرار می‌گیرند و شکل‌گیری تصویری مطلوب از جامعه میزبان در قالب متغیرهای ریسک و برندسازی منطقه به عنوان متغیر هدف شناسایی می‌شود. در قسمت جنوب غربی نمودار متغیر کاهش برون‌کوچی به عنوان متغیر قابل چشم‌پوشی بیان می‌شود. از منظر پایداری سیستم، نحوه توزیع در محور فرضی خط ریسک، نشان‌دهنده شرایط متزلزل و غیرمترقبه بودن رفتار سیستم است. از همین روی می‌توان این شیوه توزیع و قرارگیری را به عنوان سیستم ناپایدار تعریف کرد. همچنین شکل ۱۰، روابط شماری از متغیرها را دوسویه و روابط متغیرهایی چون کاهش برون‌کوچی، افزایش امنیت، بهبود ارائه خدمات و غیره را یک‌سویه و غیرمستقیم بیان می‌دارد.



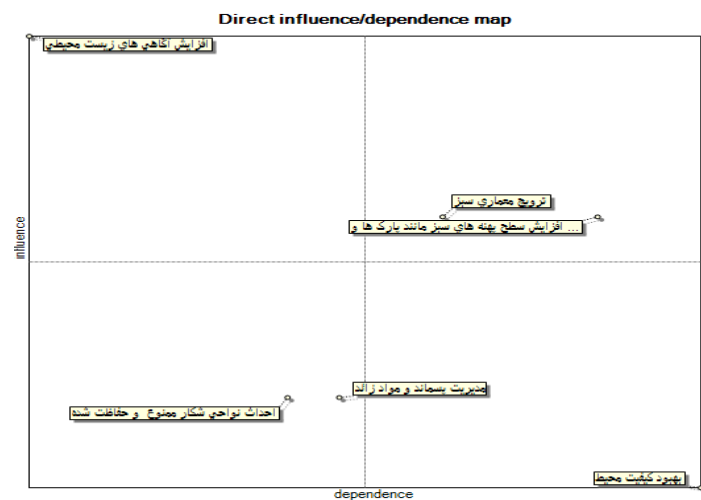
شکل ۹. نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم اثرات مثبت اجتماعی- فرهنگی



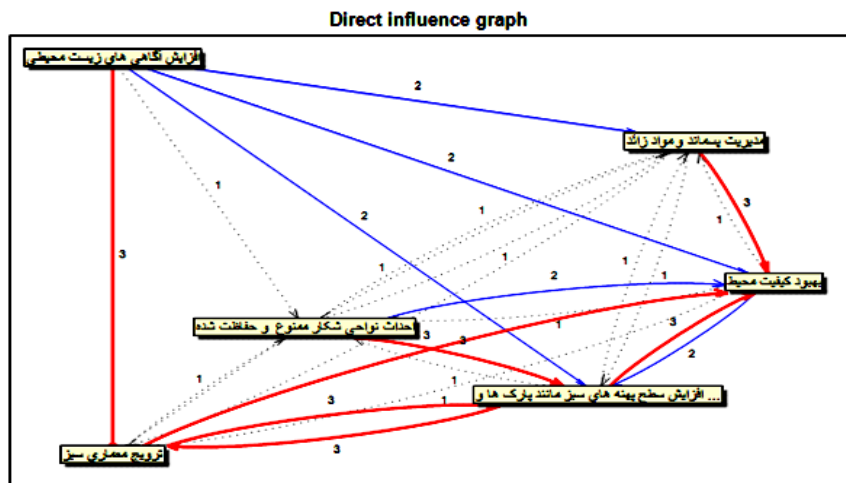
شکل ۱۰. گراف تأثیرگذاری مستقیم اثرات مثبت اجتماعی- فرهنگی

در شکل ۱۱ (که به جهت توزیع متغیرها در محور کمائی یعنی در بخش تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، نشان دهنده سیستم نسبتاً پایداری است) متغیرهای تراکم زیاد جمعیت، ازدحام و شلوغی به همراه تغییر ترکیب جمعیتی تأثیرگذار و متغیرهایی چون کالایی شدن فرهنگ و کاهش ظرفیت تحمل روانی به عنوان متغیرهای تأثیرپذیر هستند. در این بین اغلب متغیرهای موجود در بین اثرات منفی اجتماعی- فرهنگی را متغیرهای دوجوهی تشکیل می دهند و در میان آنها افزایش شکاف اجتماعی به عنوان متغیر هدف شناسایی می شود. دو متغیر افزایش مشکلات ساکنان محلی در استفاده از خدمات و افزایش مشکلات بهداشتی به عنوان متغیرهای قابل چشم پوشی معرفی می شوند. شکل ۱۲ حاکی از آن است که روابط غیرمستقیم بین متغیرهایی چون تراکم زیاد جمعیت، افزایش مشکلات جامعه محلی، تغییر ترکیب جمعیتی و افزایش ناهنجاری های اجتماعی به مراتب بیشتر است.

عین حال ترویج معماری سبز یک متغیر ریسک و افزایش سطح پهنه‌های سبز به عنوان یک متغیر هدف نشان داده می‌شود. همچنین احداث نواحی شکار ممنوع و حفاظت‌شده و مدیریت پسماند و مواد زائد به عنوان متغیرهای مستقل شناسایی می‌شوند. شکل ۱۴ نیز بیانگر آن است که به غیر از بهبود کیفیت محیط و افزایش سطح فضاهای سبز اغلب روابط غیرمستقیمی بین متغیرها برقرار است.



شکل ۱۳. نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم اثرات مثبت زیست محیطی

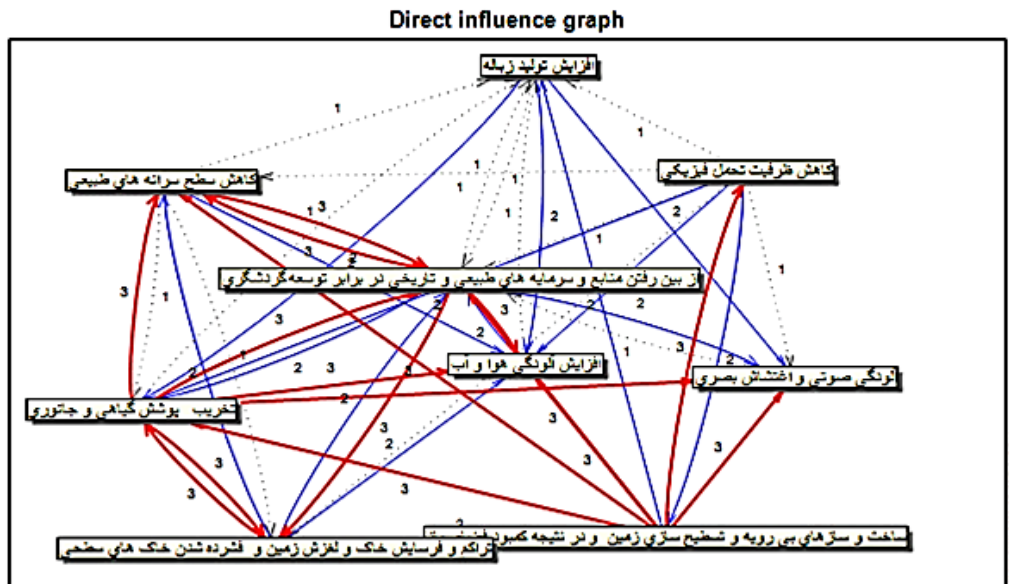


شکل ۱۴. گراف تأثیرگذاری مستقیم اثرات مثبت زیست محیطی

در نهایت شکل های ۱۵ و ۱۶ مربوط به اثرات منفی زیست محیطی است که ساخت و سازهای بی رویه متغیری تاثیرگذار و کاهش سطح سرانه های طبیعی و افزایش آلودگی ها به عنوان متغیرهای تاثیرپذیر شناسایی شده اند. تخریب پوشش گیاهی متغیر ریسک و از بین رفتن منابع و سرمایه های طبیعی متغیر هدف است. در طرف دیگر، کاهش ظرفیت تحمل فیزیکی متغیر اهرم ثانویه و تراکم و فرسایش خاک و افزایش تولید زباله به عنوان متغیرهای مستقل شناسایی شده اند. شکل ۱۶ نیز روابط بین متغیرها را به جز مواردی چون تخریب پوشش گیاهی و جانوری و آلودگی ها را دوسویه و مستقیم نشان می دهد.



شکل ۱۵. نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم اثرات منفی زیست محیطی



شکل ۱۶. گراف تأثیرگذاری مستقیم اثرات مثبت زیست محیطی

جمع بندی و نتیجه گیری

نگرش سیستمی، رویکرد نسبتاً جامعی برای درک، تجزیه و تحلیل، برنامه ریزی و پویایی گردشگری است؛ در این رویکرد به خوبی می توان بخش ها و عوامل تأثیرگذار بر گردشگری همچون گردشگران، جامعه میزبان، سازمان ها و شرکت های ذی ربط، محیط و غیره را به صورت به هم پیوسته مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد و آنها را سازماندهی کرد. به عبارتی دیگر، نگرش سیستمی واقعیت، بنیان و اساس گردشگری را در کلیتی منسجم به تصویر می کشد و پیوند بین اجزاء و عناصر بخش عرضه گردشگری را مورد بحث قرار می دهد. به هر روی با نگاهی با آرمان های توسعه هزاره (MDG¹) در سال ۲۰۰۰ و نیز اهداف توسعه پایدار (SDG²) در سال ۲۰۱۵ می توان بر اهمیت نگاه سیستمی در توسعه گردشگری و اثرات آن پرداخت. گردشگری و فعالیت های مرتبط با آن در کنار آثار مثبت، دارای ابعاد و اثرات منفی نیز هست و این مهم می بایست در سایه برنامه ریزی در راستای بیشینه کردن منافع و کمینه کردن مضرات، مورد توجه قرار گیرد. به هر روی آنچه

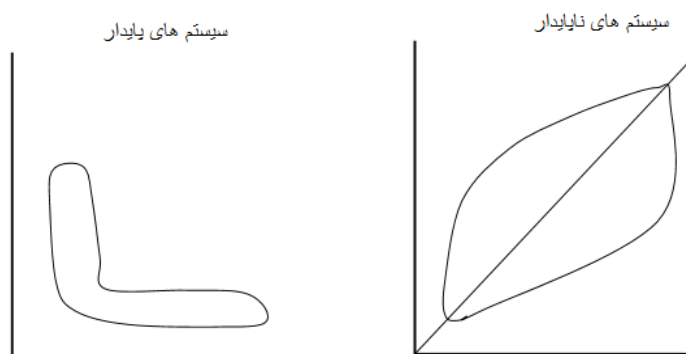
1. Millennium Development Goals
2. Sustainable Development Goals

که در وضعیت کنونی کشور مورد توجه است؛ ابعاد اقتصادی به ویژه آثار مثبت گردشگری است. این امر تا حد بسیاری به واسطه ضعف ساختار سیستم اقتصادی کشور، مهاجرت قابل توجه مردم از روستاها و حتی شهرهای کوچک و متوسط به شهرهای بزرگ و بروز چالش‌های متعدد چون: بیکاری، جرائم، آسیب‌های اجتماعی، ترافیک، تشدید گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، تخریب منابع پشتیبان زیست محیطی و ... ایجاد شده است. موارد و مسائل طرح شده سبب شده است تا به گردشگری به ویژه در مناطق مرزی و برخی مناطق با نرخ بالای بیکاری، در قالب‌های مختلف (مانند گردشگری پزشکی، گردشگری تجاری، گردشگری سلامت و ...) توجه گردد.

در این مقاله آنچه مورد مذاقه قرار گرفت، نگاهی سیستمی، البته نه جامع، به عناصر و عوامل مرتبط با هر دو حوزه مثبت و منفی ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست محیطی است. شاید این مقاله توانسته باشد پاسخی به این سوال که «چگونه می‌توان گردشگری را به نحوی مدیریت و سازماندهی نمود تا حداقل آثار منفی را در حوزه‌های عنوان شده به همراه داشته باشد؟» ارائه دهد.

چنان‌که در جدول ۲ نیز اشاره گردید؛ مهم‌ترین اثرات مثبت و منفی در حوزه‌های سه‌گانه دسته‌بندی شد. بر اساس بررسی‌های انجام شده در حوزه اقتصادی مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار مثبت شامل رونق‌بازار محلی، ارزآوری، تنوع‌شغلی و ایجاد فرصت کسب‌وکار جدید و افزایش تولید - ناخالص داخلی است که در این میان رونق بازار محلی که می‌تواند عامل بازدارنده بسیاری از مهاجرت‌های درون و برون استانی قلمداد شود، از اهمیت بالایی برخوردار است. بر اساس نتایج به دست آمده تمام موارد لیست شده به صورت سیستمی به هم مرتبط بوده و با ایجاد رونق در بازار محلی، تنوع شغلی و ایجاد فرصت‌های کسب و کار جدید و حتی سبب شکل‌گیری برخی خدمات که می‌تواند پیوندهای پیشین و پسین ایجاد کند، می‌گردد. نکته دیگر در نحوه پراکنش و نظم متغیرهای موجود در اشکال است. نحوه پراکنش متغیرها در داخل نمودار بیانگر پایداری و ناپایداری سیستم است. چنانچه متغیرها در داخل نمودار به شکل L باشد سیستم پایدار است و این

حالت از سیستم نشانگر ثبات در متغیرهای تأثیرگذار و تداوم تأثیر آنها بر سایر متغیرها است. چنانچه متغیرها از سمت محور مختصات به سمت انتهای نمودار و در حوالی آن پخش شده باشند، سیستم ناپایدار است و کمبود متغیرهای تأثیرگذار، سیستم را تهدید می‌کند.



شکل ۱۷. سیستم پایدار و ناپایدار. منبع: Godet, 2006: 20

در بررسی اثرات مثبت اقتصادی، شیوه توزیع متغیرها تا حدودی سیستم پایداری را به نمایش می‌گذارد اما در عین حال عناصری چون بهبود سرمایه‌گذاری، افزایش درآمد، اشتغال و توسعه زیرساخت‌ها در وضعیت ناپایداری قرار دارند. در ارتباط با اثرات اقتصادی منفی متغیرهایی چون جذب نیروهای غیرمحلی و کم‌یابی برخی کالاهای ضروری به عنوان اصلی‌ترین عناصر اثرگذار شناسایی شدند. توزیع متغیرها حاکی از یک سیستم ناپایدار در اثرات منفی اقتصادی گردشگری است. در این رابطه می‌توان متغیرهایی چون بورس‌بازی زمین، ایجاد تورم و افزایش هزینه‌های زندگی را مورد اشاره قرار داد.

در حوزه اثرات مثبت اجتماعی- فرهنگی، عوامل توسعه فرهنگی و افزایش آگاهی مردم، هویت- سازی و تعلق اجتماعی، احیای ارزش‌های محلی به عنوان عوامل دووجهی شناسایی شده‌اند. چیدمان متغیرهای اثرات مثبت اجتماعی- فرهنگی گردشگری حاکی از سیستم کاملاً ناپایدار است که گویای نامشخص بودن اثرگذاری و اثرپذیری متغیرها در حوزه مورد نظر است. در حوزه اثرات منفی اجتماعی- فرهنگی گردشگری، عوامل تراکم زیاد جمعیت، ازدحام و شلوغی به همراه تغییر

ترکیب جمعیتی، عناصر تأثیرگذار هستند. قطعاً تمرکز و برنامه‌ریزی در حوزه‌های شناسایی شده می‌تواند بخشی از اثرات منفی گردشگری در ابعاد اجتماعی- فرهنگی را کاهش دهد. در عین حال سیمای توزیع متغیرها نشان‌دهنده الگوی نسبتاً پایدار است. به هر روی وجود متغیرهایی چون کم-رنگ شدن ارزش‌ها و روابط، مصرف‌گرایی، اثرنمایشی و افزایش شکاف، به شدت در وضعیت دووجهی قرار دارند و همین موضوع، رفتار سیستم را غیرقابل پیش‌بینی کرده است.

در حوزه اثرات زیست‌محیطی از دو منظر مثبت و منفی می‌توان گفت تقریباً سیستم پایداری را می‌توان مشاهده نمود. از منظر اثرات مثبت عامل افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی به عنوان عامل اثرگذار مثبت و از منظر اثرات منفی افزایش ساخت و سازها و تسطیح زمین به عنوان عامل اثرگذار منفی قابل ذکر است. بر اساس آنچه که در این مقاله مورد بررسی و توجه قرار گرفته است؛ سیمای گردشگری در ایران در حوزه‌های اجتماعی- فرهنگی به شدت ناپایدار است. این موضوع به وضوح در مقاصد گردشگری قابل رؤیت است. بر اساس اصل اساسی برنامه‌ریزی در راستای بهینه کردن اقدامات و نیز مورد هدف قرار دادن کلیدی‌ترین عنصر، عوامل اثرگذار در دو حوزه مثبت و منفی می‌تواند به عنوان مبنای اصلی در بیشینه کردن اثرات مثبت و کمینه کردن اثرات منفی گردشگری در سه حوزه مورد مطالعه، مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- امین‌بیدختی، علی‌اکبر؛ جعفری، سکینه. فرهادی، وحیدرضا. (۱۳۹۳). «رابطه تعلق اجتماعی و مشارکت- اجتماعی با توسعه گردشگری پایدار: نقش میانجی اثرات ادراک‌شده». فصلنامه پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، سال هشتم - شماره ۲۶، صص ۱-۲۳.
- براری، معصومه؛ فیروزمند، مارال و هاشم‌پور، فهیمه. (۱۳۹۵)، بررسی تحلیل اثرات اقتصادی گردشگری شهری از دیدگاه شهروندان (مطالعه موردی: شهر بابلسر)، مجله علوم جغرافیایی، شماره ۴، صص ۴۰-۵۵.
- برقی، حمید، کاظمی، زینب، فرشاد، سوری. (۱۳۹۱). ارزیابی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های مؤثر در بازاریابی توریسم روستایی با آمیخته بازاریابی (7P)؛ نمونه موردی: شهرستان‌های آمل، بابل، بابلسر و ساری. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۶، مردشت، صص ۴-۳۱.

بهشتی، محمدباقر؛ زالی، نادر. (۱۳۹۰). «شناسایی عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی بر پایه سناریو: مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی». برنامه‌ریزی و آمایش فضایی، دوره پانزدهم، شماره اول، ۱۳۹۰، صص ۹-۲۸.

تقدیسی، احمد؛ تقوایی، مسعود؛ پیری، سیامک. (۱۳۹۱). تحلیلی بر نگرش جامعه میزبان به اثرات اجتماعی-فرهنگی گردشگری شهرستان دالاهو. مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، شماره اول، صص ۱۲۱-۱۴۰.

جکسون، مایکل سی. (۱۳۹۳). «تفکرسیستمی: کل‌گرایی خلاق برای مدیران». ترجمه علی محمد احمدوند و غلام جاپلقیان، تهران، جهان جام جم، ص ۲۱.

حاجیلو، الهام؛ تولایی، سیمین؛ زنگانه، احمد و ابوالفضل. (۱۳۹۲). «ارزیابی و اولویت‌بندی اثرات گردشگری در سطح ملی با استفاده از تکنیک Topsis»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۵-۲۵.

حمدی‌زاده، محمدرضا. (۱۳۹۲). «پویایی‌های سیستم». تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، صص ۳۰-۳۱.

ربیعی، علی؛ امینی، محمدتقی؛ ملاصالحی. صدیقه. (۱۳۹۱). «بررسی موانع توسعه گردشگری در ایران و ارائه چارچوب‌های سیاست‌گذاری برای توسعه آن». فصلنامه علمی-پژوهشی «گردشگری و توسعه»، دوره دو، شماره دو، صص ۱۹-۱.

سلیمانی هارون، خدیجه؛ خسروی پور، بهمن؛ برادران، مسعود و غنیان، منصور. (۱۳۸۹). نگرش ساکنان مناطق گردشگری نسبت به پیامدهای گردشگری روستایی، مجله پژوهش‌های اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۱. شماره ۲، صص ۲۱۸-۲۱۳.

صالحی، صادق؛ حسن‌پور، محمود. (۱۳۹۱). «برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری: نگرشی کاربردی به برنامه‌ریزی و بازاریابی گردشگری. بابلسر». انتشارات دانشگاه مازنداران. صص: ۱۳.

ضرابی، اصغر و اسلامی پریخانی، صدیف. (۱۳۹۱)، سنجش تأثیرات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست محیطی توسعه گردشگری (مطالعه مورد شهرستان مشکین شهر)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۵، صص ۵۲-۳۷.

فنی، زهره؛ عزیززاده طولی، محمد؛ زحمتکش، زینب. (۱۳۹۳). «تأثیرات گردشگری بر توسعه پایدار شهری از نظر ساکنان، مطالعه موردی: جزیره قشم»، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۸، صص: ۷۲-۳۹.

فنی، زهره؛ محمدنژاد، علی. (۱۳۸۹). «نقش مدیریت شهری در توسعه گردشگری مطالعه موردی: شهر رامسر»، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۱.

قرخلو، مهدی؛ رمضانزاده لسبویی و گلین شریف، جواد (۱۳۸۸)، اثرات زیست محیطی گردشگری بر سواحل شهر رامسر، مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۲-۱.

کروبی، مهدی، احمدی، ساسان و رسولی، محمد. (۱۳۹۵)، ارزیابی اثرات اجتماعی-فرهنگی گردشگری بر جامعه میزبان (مورد مطالعه: شهر بانه)، دو فصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری، سال ۴، شماره ۸، صص ۲۱-۱.

کریمی دستنایی، طاهره. (۱۳۹۵). آثار اقتصادی سفر و گردشگری در ایران، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، معاونت بررسی های اقتصادی.

کاظمی، مهدی. (۱۳۸۶). «بررسی اثرات اقتصادی و فرهنگی توسعه جهانگردی از دیدگاه ساکنان». فصلنامه مطالعات جهانگردی، شماره ۳، صص: ۱۶-۱.

مهدی زاده، جواد. (۱۳۸۶). «برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران». تهران، شرکت طرح و نشر پیام سیما، ص ۴۰.

نوری، سید هدایت الله و خراسانی، زینب. (۱۳۹۰)، تحلیلی بر اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه گردشگری در شهرستان ساری، مجله برنامه ریزی فضایی، سال اول، شماره ۴، صص ۱۸-۱.

Andereck, K. Valentine, K. Vogt, C. (2007), «A cross-cultural analysis of tourism and quality of life perceptions», *Journal of Sustainable Tourism* Vol. 15, No. 5: 483-502.

Aref, F. (2011), «Sense of Community and Participation for Tourism Development», *Life Science Journal*, Vol. 8, NO. 1: 20-25.

Aref, F. Gill, S. Aref, F. (2010), «Tourism Development in Local Communities: As a Community Development Approach», *Journal of American Science*, Vol. 6, No. 2: 155-161.

Asan, S, S. Asan, U. (2007), «Qualitative cross-impact analysis with time consideration», *Technol. Forecast. Soc.* Vol. 74, No. 5: 627-644.

- Chikere, C. C., & Nwoka, J. (2015). The Systems Theory of Management in Modern Day Organizations-A Study of Aldgate Congress Resort Limited Port Harcourt. *International Journal of Scientific and Research Publications*, Vol. 5, No. 9: 1-7.
- Choi, H. Sirakaya, E. (2006), «Sustainability indicators for managing community tourism», *Tourism Management*, Vol. 27, No. 6: 1274–1289.
- Devers KJ, Frankel RM. Study design in qualitative research--2: Sampling and data collection strategies. *Educ Health (Abingdon)* 2000; Vol. 13, No. 2: 263-71.
- Dewangan, D, K. Agrawal, R. Sharma, V. (2015), «Enablers for Competitiveness of Indian Manufacturing Sector: An ISM-Fuzzy MICMAC Analysis», *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 189: 416 – 432.
- Dyer, P. Gursoy, D. Sharma, B. Carter, J. (2007), «Structural modeling of resident perceptions of tourism and associated development on the Sunshine Coast, Australia», *Tourism Management*, Vol. 28: 409-422.
- Easterling, D. (2008), «Residents and Tourism: What Is Really at Stake», *Journal of Travel & TourismMarketing*, Vol. 18, No. 4: 49- 64.
- Godet, M. Durance, PH. Gerber. (2008), «Strategic Foresight (La Prospective): Use and Misuse of Scenario Buildin», *LIPSOR Working Paper (Cahiers du LIPSOR)*, www.lapropective.fr
- Goeldner, C, R. Ritchie, J, B. (2012), *Tourism: Principles, Practices and Philosophies*: John Wiley & Sons, Inc., Hoboken, New Jersey: Canada, 12th edition.
- Gordon, Theodore. (1994). «Trend Impact Analysis», *AC/UNU Millennium project*
- Gursoy, D. Rutherford, D, G. (2004), «Host Attitudes toward Tourism an Improved Structural Model», *Annals of Tourism Research*, Vol. 31, No. 3: 495-516.
- Lamont, M., (2009), Independent bicycle tourism: a whole tourism system perspective, *Tourism Analysis*, Vol. 14, pp 605-620.
- Leiper, N., (2004), *Tourism management*, (3rd ed), Frenchs forest, NSW: Pearson Education Australia.
- Lin, N. (2001), *Social Capital: A theory of social structure and action*. New York: Cambridge University Press.
- Marzuki, A. (2011), «Resident attitudes towards impacts from tourism development in Langkawi Islands, Malaysia», *World Applied Sciences Journal*, Vol. 12: 25–34.

Mason, P. (2003). *Tourism Impacts, Planning and Management*, Butterworth Heinman. Pp 29-42.

Neuman LW. Social research methods. 6thed. Upper Saddle River, NJ: Pearson Education; 2007.

Perez, E, A. Nadal, J, R. (2005), «Host community perceptions a cluster analysis», *Annals of Tourism Research*, Vol. 32, No. 4: 925 - 941.

Rizal, p. Asokan, R. (2014), «Emerging environmental issues with the development of tourism industry in India:A study», *International Journal of Development Research*, Vol. 4, Issue, 5: 995-999.

Saricam, C. Kalaoglu, F. Polat, S. (2012), «Determination of of the variables for future anticipation in turkish apparel industry», *TEKSTİL ve KONFEKSİYON*; 137-143.

Sharpley, R. (2014), «Host perceptions of tourism: A review of the research». *Tourism Management*, Vol. 42: 37-49.

Tohidy, Fateme. (2011), «Economic Impacts of Tourism Industry», *International Journal of Business and Management*, Vol. 6, No. 8: 206-215.

Tosun, C. (2002), «Host perceptions of impacts: a comparative tourism study», *Annals of Tourism Research*, Vol. 29, No 1: 231- 253.

Turker, N. Özturk S. (2013), «Perceptions of Residents towards the Impacts of Tourism in the Küre Mountains National Park, Turkey», *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 4, No. 2: 45-56.

Villacorta, P J. Antonio D. Masegosa, a. Dagoberto, C, b. Maria, T, L. (2014), «A new fuzzy linguistic approach to qualitative Cross Impact Analysis», *Applied Soft Computing*, Vol 24: 19–30.

Vishwanatha, S. Chandrashekar, B, (2014), «A Study on the Environmental Impacts of Ecotourism in Kodagu District, Karnataka», *American Journal of Research Communication*, Vol. 2, No. 4: 256-265.

Wamwara.M, Cornwell, T, B. (2001), «Thourism’s impact on the consumption environment of consumers in Malindi, Kenya», *American Marketing Association (Conference Proceedings)*, Vol. 12: 245–246.

Weirich, H., Cannice, M. V., & Koontz, H. (2008). *Management: A global and entrepreneurial perspective*. New Dehi.

Williams, D, R. McDonald, C, D. Riden, C, M. Uysal, M. (1995), «Community attachment, regional identity and resident attitudes toward tourism», *Proceedings of the 26th Annual Travel and Tourism Research Association Conference*, 424–428.

Yan C, H. Chan C, S. Marafa, L, M. (2016), «Local perception and preferences in nature tourism in Hong Kong», *Tourism management perspectives*, Vol. 20: 87-97.

Zhou, Y. (1986), «Discuss on tourism environment protection in China», *Tourism Tribune*, Vol. 1, No. 3: 29